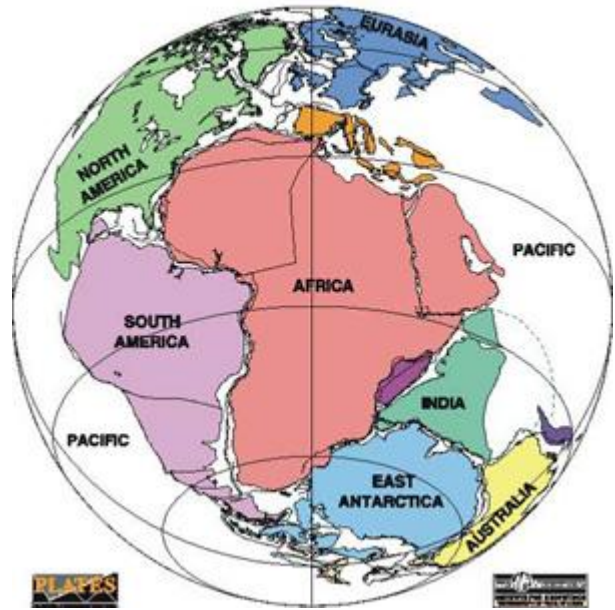


اعجاز قرآن در جدایی قاره ها

پانگه-قاره واحد



نوشته: دکتر عبد الرؤوف مخلص

قرآن کریم در آیات 30 و 31 سوره نازعات می گوید:

[وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا، أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا]

«و زمین را بعد از خلقت آسمان بگسترانید و از آن آب و گیاه پدید آورد»

آیه کریمه فوق، به وضاحت می‌رساند که زمین از آغاز امر خلقت به شکل کنونی خود نبوده، بلکه مدت زمان طولانی بر آن گذشته است که خدای عزوجل آن را در طی این مدت هموار و آماده بهره‌برداری ساخته است.

آیه کریمه به طوری شگفت‌انگیز با جدیدترین اکتشافات علمی تفسیر می‌شود، چه تازه‌ترین ره‌آوردهای علم جدید با این آیه مبارکه انطباق کامل دارند. این ره‌آورد جدید علم، همانا «تئوری دورشدن قاره‌ها از یکدیگر» یا «Contionents Theory Of Drifting» می‌باشد. خلاصه آنچه را که این تئوری مطرح ساخته، عبارت از این است که قاره‌های کره زمین در زمانی از زمانها اجزای به هم چسبیده یکدیگر بوده اند و سپس آرام آرام به پارچه شدن و دورگردیدن از همدیگر آغاز نموده و به این ترتیب تدریجاً قاره‌های جداگانه‌یی را که دریاها و اقیانوس‌های بزرگ در میان آنها حایل گردیده است، تشکیل داده‌اند. این نظریه برای اولین بار در سال 1915م و درست در هنگامی مطرح گردید که متخصص و کارشناس مشهور علم «طبقات الارض» استاد «فرید واگنر» آلمانی چنین اعلام نمود: «اگر ماتمام قاره‌ها را به همدیگر نزدیک گردانیم، این قاره‌ها طوری با هم متصل و پیوسته می‌گردند که يك پیکر واحد و همسان را تشکیل می‌دهند، بی آنکه در میان آنها کمترین فاصله و یا شکاف ناهمگونی قرارداشته باشد. درست همانگونه که در بازیهای معما گونه موسوم به «Jigsawpuzzle» رونما می‌گردد».

شواهد و قراین زیاد علمیی وجود دارد که به تئوری دانشمند آلمانی فوق الذکر قوت و قطعیت می‌بخشد. از جمله این شواهد وجود کوه‌های همانند و یکسان در سواحل دریاهای مختلف است، کوه‌های که عمر زمینی آنها نیز یکی می‌باشد. نشانه‌های دیگر عبارت از وجود حیوانات، نباتات و ماهیهای همانند و هم خانواده در این سواحل دور از همدیگر است. البته همین مشاهدات است که دانشمند مشهور علم نباتات پرفسور «رونالدگود» را وا داشته تا در کتاب «جغرافیای گل‌های نباتی» «Geography Flowering Plants» چنین بگوید: «دانشمندان علم نباتات به اتفاق تئوری را که می‌گویند: بخش‌های مختلفه زمین روزگاری به یکدیگر پیوسته بوده‌اند، پذیرفته‌اند چه بدون پذیرش این تئوری، تفسیر پدیده وجود نباتات همانند در قاره‌های مختلف نیز ناممکن می‌شود».

شواهد علمی فوق به تنهایی کافی بود تا تئوری «پیوستگی قاره‌ها» را قطعی سازد، اما بعد از اکتشافات علم جاذبه فسیلی «Fossil Magnetism» دیگر هیچ جای تردید و درنگی در مورد علمی بودن تئوری فوق الذکر باقی نماند؛ زیرا دانشمندان فوسیل‌شناس بعد از بررسی فوسیل‌ها و سنگواره‌های مختلف، این توانمندی را پیدا کردند تا موقعیت هر سرزمینی را که در آن اشیا و اجسام به سنگواره‌های فوسیلی تبدیل شده‌اند، مشخص گردانند. چنانکه بررسی‌های علم فوسیل‌شناسی با قوانین «جاذبیت زمینی» نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ قوانینی که اثبات می‌کند بخش‌ها و قاره‌های مختلف زمین در روزگاران بسیار دور، نه در مکانهای فعلی خود بلکه درست در مکانهایی قرار داشته‌اند که تئوری «دورشدن قاره‌ها از همدیگر» آنها را مشخص گردانیده است.

پروفیسور «بلاکیت» استاد علوم طبیعی در فاکولته سلطنتی لندن در این رابطه می‌گوید:

«بررسی سنگ‌هایی در کشور هند نشان می‌دهد که این سنگها در حدود هفتاد میلیون سال قبل، در جنوب خط استوا قرار داشته‌اند. به همین ترتیب، بررسی کوه‌های جنوب افریقا نشان‌دهنده این حقیقت است که قاره افریقا، سیصد میلیون سال قبل، از قطب جنوب جدا شده است».

بلی عزیزان! باید گفت که آیه (31) سوره مبارکه نازعات که محور بحث این حلقه ماست، در توصیف تطوّر تکاملی زمین، واژه «دجو» را به کار گرفته است که معنی آن هموارکردن و پراکنده ساختن است. چنانکه اعراب می‌گویند: «دَحَا الْمَطَرُ الْحَصَى - باران سنگریزه‌ها را هموار و پراکنده ساخت». و این البته عین همان مفهوم انگلیسی «Drift» را می‌رساند که در امر تعبیر از تئوری جدید جغرافیایی فوق، به کار گرفته شده است.

بناءً با این توافق تکان‌دهنده علم جدید با متن آیه مبارکه، حتی شکاک‌ترین انسانهای روی زمین هم نمی‌توانند به این حقیقت ایمان نیاورند که این کلام معجز بیان، فقط می‌تواند از نزد ذاتی صادر شود که با علم و قدرت لایزال خویش، بر گذشته، حال و آینده به طور یکسان احاطه دارد. سبحانک یارب!

تهیه و تنظیم از

www.ejazquran.ir

islam-pdf.persianguig.ir

thequran.persianguig.ir